

گروه اقتصادی: در ماه‌های اخیر تعبیر «محاصره اقتصادی» و تصویر «دیوار فولادی» که دونالد ترامپ بارها از آن سخن گفته، به یکی از روایت‌های پررنگ درباره اقتصاد ایران تبدیل شده است. تصویر مدنظر آمریکایی‌ها ساده است: فشار بر مسیرهای دریایی، محدودیت‌های مالی و تجاری و تلاش برای بستن راه‌های ورود کالا، سرانجام باید اقتصاد ایران را در تنگنا قرار دهد.

اقتصاد ایران اما یک تفاوت مهم با بسیاری از اقتصادهای دیگر دارد و آن اینکه ایران در گوشه‌ای بسته و بیراه قرار نگرفته، بلکه در میانه یک چهارراه بزرگ جغرافیایی نشسته است؛ از شمال به آسیای میانه و قفقاز می‌رسد، از شرق با افغانستان و پاکستان همسایه است، از غرب به ترکیه و عراق راه دارد و در جنوب به آب‌های آزاد متصل است. همین جغرافیا در روزهای عادی یک مزیت تجاری است و در روزهای سخت، به یک ابزار تاب‌آوری تبدیل می‌شود که امکان تغییر نظم تجاری را هم دارد.

البته این سخن به معنای بی‌اثر بودن فشارها نیست. انتقال کالا از مسیر زمینی هزینه‌های بیشتری دارد؛ مرزها ظرفیت محدودی دارند، کامیون، راننده، انبار، جاده و گمرک به اندازه کافی در همه نقاط آماده نیستند و هر ساعت توقف در مرز، در نهایت هزینه‌ای است که بخشی از آن را مصرف‌کننده می‌پردازد.

اما میان «سخت شدن تجارت در کوتاه‌مدت» و «محاصره شدن کشور» فاصله بزرگی وجود دارد. شواهد موجود نشان می‌دهد ایران در حال پر کردن همین فاصله است.

■ **مرکز قرار بود فشار خارجی به کمبود گسترده کالا و اختلال جدی**

در زندگی روزمره مردم تبدیل شود، نخستین نشانه آن باید در بازار کالاهای اساسی دیده می‌شد. برنج، روغن، حبوبات، چای و غلات از جمله کالاهایی هستند که جامعه نسبت به آنها حساس است. کمبود این کالاها به‌سرعت خود را در قفسه‌های فروشگاه‌ها، صف خرید و افزایش قیمت نشان می‌دهد.

با این حال محمد جعفری، دبیر انجمن غلات ایران اعلام کرده است با انجام تعهدات دولت در برابر واردکنندگان، هیچ‌گونه نگرانی خاصی درباره تأمین کالاهای اساسی تا پایان سال وجود ندارد. وی حتی از وجود مازاد عرضه در برخی کالاها سخن گفته و شرایط بازار غلات و روغن را مناسب توصیف کرده است. درباره حبوبات نیز دواد لپه‌چی، رئیس انجمن حبوبات کشور گفته است موجودی انبارها و بنادر برای مصرف نیمه دوم سال کفایت می‌کند و کمبود نگران‌کننده‌ای وجود ندارد.

این اظهارات البته به معنای ارزان بودن همه کالاها یا رضایت کامل از بازار نیست. قیمت مواد غذایی برای خواروار ایرانی همچنان مساله‌ای جدی است و هزینه واردات زمینی نیز می‌تواند قیمت تمام‌شده را بالا ببرد. نکته مهم این است که زنجیره تأمین هنوز کار می‌کند و در حال پیشرفت تا بازگشت بازار به شرایط عادی است. محمدرضاطالایی، معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی نیز توضیح داده است که مرزهای شرقی، غربی و شمالی در تأمین نیاز کشور فعال شده‌اند و ظرفیت‌هایی مانند ریمدان پاکستان و مرزهای مشترک با افغانستان در حال استفاده و توسعه است.

اینجاست که واقعیت اقتصاد ایران با تصویری که از «محاصره کامل» ساخته می‌شود، تفاوت پیدا می‌کند. اگر عبور کالا از یک مسیر دشوار شود، ایران می‌تواند از راه دیگری استفاده کند. اگر محدودیت‌ها هزینه حمل‌ونقل را بالا ببرد، مسیرهای جایگزین شکل کار گرفته می‌شوند. برای نمونه، هر گاه فعالیت یک بندر با مشکل روبه‌رو شود، بخشی از بار می‌تواند از راه‌های زمینی و مرزهای کشور جابه‌جا شود. به بیان ساده، فشار بر یک مسیر لزوماً به معنای بسته شدن همه راه‌های ورود و خروج کالا نیست.

این فرایند بی‌هزینه نیست اما نشان می‌دهد راه‌های تجارت ایران آنقدر که در برخی روایت‌ها تصور می‌شود محدود و تک‌مسیره نیست. هرچند این تنوع مسیر تجاری از سال‌ها قبل باید انجام می‌شد و اگر اینگونه بود امروز شرایط به مراتب بهتری داشتیم ولی در هر صورت این مساله نشان می‌دهد تهدید به محاصره برای جغرافیایی مانند ایران شبیه به یک شوخی است.

■ **ریمدان از حاشیه به متن آمده است**

شاید بهترین نمونه برای دیدن این تغییر، مرز ریمدان در جنوب شرق کشور باشد؛ مرزی که سال‌ها در حاشیه نقشه اقتصادی

امام حسین (ع)؛

کسی که دوست دارد ادلش به تأخیر افتد و روزی‌اش افزایش یابد، صله رحم به جا آورد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌انیتاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سر‌دبیر: سید عابدین نورالدینی

گزارش «وطن امروز» از تجارت بی‌وقفه کالاهای اساسی از مرزهای زمینی کشور

محاصره غیرممکن



■ **مساله فقط مرز نیست**

یکی از اشتباه‌های رایج در بحث تحریم و تجارت خارجی این است که گمان کنیم با ساخت یک جاده یا افزایش تعداد کامیون‌ها، مشکل حل می‌شود. تجارت زنجیره‌ای است که از ارز و ثبت سفارش شروع می‌شود و به حمل‌ونقل، گمرک، انبار و بازار می‌رسد. اگر کالا به مرز برسد ولی در گمرک متوقف شود، مسیر زمینی چندان کمکی نکرده است. از همین منظر، تصمیم گمرک برای تبدیل بسته شرایط اضطرار ترخیص کالا به یک سازوکار دائمی اهمیت دارد. بر اساس توضیحات رئیس کل گمرک، این بسته برای کالاهای اساسی، مواد اولیه، تجهیزات و ماشین‌آلات خطوط تولید تسهیلاتی در نظر گرفته و امکان استفاده از ضمانت‌نامه برای حقوق ورودی و مالیات را فراهم کرده است. همچنین لایحه‌ای با حدود ۹ تا ۸ ماده و ۳۰ تبصره در حال پیگیری است که بخشی از آن به ورود کالا بدون انتقال ارز، واردات در مقابل صادرات و مساله منشأ ارز مربوط می‌شود. این یک اصل قطعی در شرایط جنگی و محاصره اقتصادی است که اگر کشوری در شرایط فشار اقتصادی است، نباید کامیون حامل کالای مورد نیازش پشت در گمرک معطل بماند تا چند امضای اداری جمع شود.

رئیس کل گمرک نیز هدف اصلی را روشن بیان کرده است: مرز باید محل عبور کالا باشد، نه محل توقف آن. انتقال برخی کالاها از مرز به انبار اختصاصی صاحب کالا و انجام کنترل‌های نهایی در گمرکات داخلی می‌تواند هزینه تخلیه، بارگیری، انبارداری و بیمه را کاهش دهد. این اصلاحات شاید به اندازه ساخت یک بندر یا راه‌آهن خسراز نباشد اما گاهی یک اصلاح اداری می‌تواند به اندازه یک پروژه هماهنگی ارزش اقتصادی ایجاد کند.

■ **ایران باید راه‌ها را به شبکه تبدیل کند**

ایران از موهبت جغرافیایی برخوردار است اما جغرافیا به خودی خود پول‌ساز نیست. برای تبدیل موقعیت جغرافیایی به قدرت اقتصادی باید راه‌ها، جاده، پایانه، انبار، گمرک، سامانه اطلاعاتی و مقررات هماهنگ در کنار یکدیگر قرار گیرند.

در شمال غرب، بحث کاله-جلغلا-همن منظر اهمیت پیدا می‌کند. تحولات مربوط به مسیر موسوم به «مسیر ترامپ» یا TRIPP نشان داده است کریدورهای حمل‌ونقل فقط موضوع

ایران قرار داشت اما اکنون به یکی از نقاط مهم ورود و خروج کالا تبدیل شده است.

در ۲۶ مرداد ۱۴۰۵، بنا بر اعلام مدیرعامل منطقه آزاد چابهار، در یک روز ۴۹۰ تردد صادراتی، وارداتی و ترانزیتی در منطقه آزاد ریمدان ثبت شد و مجموع تردد کامیون‌های ایرانی و پاکستانی به ۹۸۰ دستگاه رسید. ظرفیت باسکول‌های مرز نیز قرار است با بهره‌برداری از ۲ باسکول جدید به حدود ۱۰۰۰ کامیون در روز برسد.

پیام روشن این آمارها این است که مرزهای کشور در حال تطبیق خود با شرایط جدید هستند. البته ریمدان هنوز یک پایانه کامل و بی‌نقص نیست؛ جاده، آب، برق، اسفالت و دیگر زیرساخت‌ها زمان می‌خواهند. مدیرعامل منطقه آزاد چابهار نیز صریح گفته است که کار عمرانی را نمی‌توان با معجزه جلو برد. سازمان راهداری در حال اجرای عملیات در محور ۵۴ کیلومتری سهراهی ریمدان تا مرز است و برای بهبود مسیر برنامه‌هایی در دست اجراست.

از سوی دیگر، ۴۸ طرح سرمایه‌گذاری به ارزش حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان در منطقه آزاد ریمدان به تصویب رسیده است؛ طرح‌هایی در حوزه‌هایی مانند لجستیک، ترانشیپ، بسته‌بندی و سردخانه. این اتفاق از منظر اقتصادی اهمیت زیادی دارد. زیرساخت مرزی زمانی ارزش پیدا می‌کند که پشت آن سرمایه‌گذاری شکل بگیرد. جاده‌ای که تنها کامیون از آن عبور کند، تنها یک جاده است اما وقتی انبار، سردخانه، مرکز بسته‌بندی، پایانه، خدمات حمل‌ونقل و سرمایه‌گذار در کنار آن قرار بگیرد، یک گره اقتصادی ساخته می‌شود.

■ **مرز بازرگان باید جدی‌تر گرفته شود**

در غرب کشور اما داستان متفاوت است. مرز بازرگان نشان می‌دهد فعال شدن مسیرهای جایگزین به تنهایی کافی نیست، بلکه ظرفیت این مسیرها هم باید به‌سرعت افزایش یابد.

در ۴ ماه نخست سال، تقاضا برای عبور از بازرگان بیش از ۱۷ درصد افزایش یافته و در تیرماه واردات از مرزهای جاده‌ای ۵۱ درصد رشد کرده است. بخشی از این افزایش تقاضا به مشکلات و درگیری‌های بنادر جنوبی مربوط دانسته شده است.

نتیجه این است که بار به سمت جاده آمده و جاده باید بار

عضو ارشد موسسه بروکینگز در ادامه یادداشت خود در آتلانتیک تصریح کرد کنترل ایران بر تنگه هرمز ابزار قدرت مفیدتری نسبت به بمب اتم است. سلاح هسته‌ای ممکن است مانع حمله شود اما کنترل تنگه هرمز هر روز به ایران در برابر ده‌ها کشور، اهرم فشار می‌دهد. با این اهرم، ایران می‌تواند به دوستان پادشاه دهد، دشمنان را مجازات کند، درآمد کسب کند، تحریم‌ها را کاهش دهد و دولت‌ها را وادار کند قبل از مخالفت با سیاست‌های ایران، دوباره فکر کنند. ایران می‌تواند همه این کارها را بدون شلیک حتی یک گلوله انجام دهد و در عین حال توانایی تهدید به خشونت در صورت لزوم را نیز حفظ خواهد کرد.

ترتیبات جدید منطقه‌ای آغاز شده است. حاکمان خلیج فارس که زمانی روی تضمین امنیتی آمریکا حساب می‌کردند، اکنون باید با قدرتی که ثابت کرد قادر به شکست دادن حامی آنهاست، صلح کنند. رد توافقنامه‌های آبراهام مورد حمایت آمریکا و اسرائیل توسط عربستان و در عوض، امضای پیمان استراتژیک دفاعی با پاکستان و ترکیه، به شکل نظم آینده اشاره دارد. توافقنامه‌های آبراهام نشان‌دهنده تثبیت قدرت و نفوذ اسرائیل در منطقه و مهار بیشتر ایران بود اما پیمان مکه کاملاً چیز دیگری است. نه پاکستان و نه ترکیه، ایران را تهدید بزرگی نمی‌دانند؛ پاکستان، مانند ایران، روابط نزدیکی با چین دارد و اسرائیل، ترکیه را تهدید منطقه‌ای دوم پس از ایران می‌داند. به جای یک نظم آمریکایی-صهیونیستی، این یک اتحاد کمتر خصمانه با ایران، کمتر دوستانه با اسرائیل و بیشتر مستقل از ایالات متحده خواهد بود.

در همین حال، ایران از آزد خواهد بود برنامه هسته‌ای خود را بدون ترس از یک حمله بزرگ دیگر از سر بگیرد. این واقعیت به خودی خود موازنه منطقه‌ای را تغییر خواهد داد. سال گذشته، اسرائیل و ایالات متحده به مدت ۱۲ روز تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کردند اما اکنون ایران جسارت یافته‌از کنترل خود بر هرمز و تهدیدات

رژیم چنج ایرانی در منطقه

علیه کشورهای همسایه و زیرساخت‌های انرژی آنها برای جلوگیری از هرگونه حمله‌ای در آینده قابل پیش‌بینی استفاده کند. پر کردن مجدد ذخایر موشکی و رهگیرهای آمریکایی به‌زمان زیادی نیاز خواهد داشت و ممکن است در سال‌های آینده در سایر نقاط جهان مورد نیاز باشد. ایران در عین حال با کمک روسیه و چین در حال مسلح شدن مجدد خواهد بود و به طور بالقوه ایالات متحده را در یک سال آینده در موقعیتی بدتر از امروز قرار خواهد داد.

اثرات این امر بسیار فراتر از خاورمیانه خواهد رفت. متحندان آمریکا در آسیا و اروپا می‌توانند ببینند یک جنگ نسبتاً کوتاه علیه یک قدرت منطقه‌ای، بخش زیادی از ذخایر سلاح‌های مورد نیاز آمریکا برای دفاع موشکی را مصرف کرد. آنها می‌بینند ایالات متحده جنگی را آغاز کرد که نتوانست آن را به پایان برساند، شرکای خود را در معرض تلافی قرار داد و سپس وقتی هزینه‌ها بسیار زیاد شد، آن را متوقف کرد. شاید نتوان نتیجه‌گیری‌های یکن در مورد تایوان و نتیجه‌گیری‌های مسکو در مورد اروپا را دانست اما متحندان آمریکا ناگزیر این سوال را خواهند پرسید: واشنگتن سلاح، استقامت و اراده سیاسی لازم برای ادامه یک درگیری بزرگ دیگر را دارد؟

هم‌زمان با رابرت کیگان، فاینانشال تایمز هم در گزارش تحلیلی مبسوطی نوشت: حدود ۴ دهه است حضور آمریکا در خاورمیانه توسط زنجیره‌ای از پایگاه‌های گسترده در سراسر خلیج فارس تثبیت شده اما در ۶ ماه جنگ، ایران آینده آنها را در هاله‌ای از ابهام قرار داد. به نوشته رسانه انگلیسی، واشنگتن بیش از ۳ دهه به پایگاه‌های نظامی در تمام کشورهای بزرگ خلیج فارس دسترسی داشته اما اکنون باید تصمیم بگیرد آیا میلیارد‌ها دلار برای بازسازی این تأسیسات هزینه کند یا حضور نظامی خود در خاورمیانه را برای دورانی جدید مورد بازنگری قرار دهد.

هال برنزد، محقق دانشگاه جان هاپکینز گفت: «این تأسیسات، به‌ویژه پایگاه‌های بزرگ، بسیار آسیب‌پذیرند ما شاهد کاهش

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷

پيام‌رسان: vatanemrooz
پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir

چاپ: ایران کهن
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

جایه‌جایی کالا نیستند، بلکه آنها می‌توانند بر مناسبات سیاسی و امنیتی منطقه نیز اثر بگذارند.

در این میان، ایران می‌تواند به جای آنکه صرفاً ناظر تحولات بماند، مسیر اقتصادی رقیب خود را با ایجاد مسیرهای جذاب‌تر پاسخ دهد. اتصال ریلی کاله – جلفسا و پیوند آن با نخجوان و سپس شبکه ریلی منطقه، در صورت امکان پذیری فنی و اقتصادی، می‌تواند یک گزینه مهم باشد.

ارائه تخفیف‌های هدفمند ترانزیتی نیز می‌تواند بخشی از این سیاست باشد. البته تخفیف نباید به معنای فروش ارزان منابع و خدمات کشور باشد. باید حساب کرد هر مسیر چه مقدار ارز، اشتغال، سرمایه‌گذاری و نفوذ اقتصادی ایجاد می‌کند و در برابر آن چه هزینه‌ای به کشور تحمیل می‌شود.

ایران می‌تواند از آذربایجان و ارمنستان تا ترکمنستان، افغانستان و پاکستان یک شبکه پیوسته بسازد که در نهایت به بنادر جنوبی و آب‌های آزاد متصل شود. چنین شبکه‌ای، ارزش جغرافیایی ایران را از یک «واقعیت روی نقشه» به یک «دارایی اقتصادی» تبدیل می‌کند.

■ **راهبرد درست از واکنش به پیش‌دستی می‌رسد**
آنچه امروز در مرزهای ایران دیده می‌شود، یک از‌مومن واقعی برای سیاست‌گذاری اقتصادی است. کشور در برابر فشار خارجی، راه‌های زمینی خود را فعال کرده است. دولت در حال توسعه زیرساخت است. بخش خصوصی کالا وارد می‌کند. گمرک در حال اصلاح رویه‌هاست و در مناطقی مانند ریمدان، سرمایه‌گذاری تازه در حال شکل‌گیری است.

این تصویر را نباید با خوش‌بینی افراطی خراب کرد. هنوز هزینه حمل‌ونقل بالاست. هنوز صف کامیون‌ها در بازرگان وجود دارد. هنوز ظرفیت بسیاری از مرزها با ظرفیت بالقوه آنها فاصله دارد. هنوز مطالبات واردکنندگان پلر جاست و معاون وزارت جهاد کشاورزی گفته است حجم مطالبات حدود یک‌سوم حجم واردات است و پرداخت آن باید مرحله‌ای انجام شود. این مسائل برای ادامه فعالیت واردکنندگان بسیار مهم است، زیرا هیچ مسیر تجاری بدون اعتماد و نقدینگی پایدار نمی‌ماند.

بنابراین، اگر امروز از موقعیت نسبی ایران در تأمین کالا سخن می‌گوییم، نباید آن را پایان کار بدبینیم. این بیشتر شبیه یک فرصت است برای ساختن شبکه‌ای که مسیر پیشرفت کشور را تسهیم کند. تجربه تاریخی ایران بارها نشان داده است این سرزمین را نمی‌توان با نگاه ساده به یک بندر، یک مرز یا یک مسیر تجاری فهمید. ایران بزرگ‌تر از آن است که تجارتش را به یک دریا، یک همسایه یا یک مسیر وابسته کند. اما همین ایران بزرگ، اگر زیرساخت‌هایش ضعیف باشد، ممکن است هزینه موقعیت ممتاز خود را بپردازد.

■ **جغرافیه هنوز برگ برنده ایران است**

«دیوار فولادی» اگر در دریا ساخته شود، الزاما به معنای بسته شدن همه راه‌های ایران نیست. ایران مرزهای متعددی دارد، همسایگان متنوعی دارد و در چهارراه مسیرهای تجاری منطقه ایستاده است.

آنچه در ریمدان، بازرگان، ماکو و مرزهای شرقی و شمالی در حال رخ دادن است، نشان می‌دهد اقتصاد ایران در حال جابه‌جا کردن وزن تجارت خود میان مسیرهای مختلف است. این جابه‌جایی هزینه دارد و سرعت آن نیز باید بیشتر شود اما نفس وقوع آن مهم است.

تاریخ و جغرافیای ایران اجازه نمی‌دهد کشور به آسانی در یک محاصره کامل فرو برود. اما این موهبت فقط زمانی به قدرت اقتصادی تبدیل می‌شود که راه‌ها، باز بمانند و تصمیم‌گیری از سرعت بحران عقب نماند. امروز کامیون‌هایی که از ریمدان عبور می‌کنند و تجارتی که در دیگر مرزها شندت گرفته، نشان می‌دهد ایران هنوز در حال تجارت است و دیوار فولادی کارکرد نداشته است. وظیفه سیاست‌گذار این است که این تجارت را از یک واکنش اضطراری به یک شبکه پایدار تبدیل کند. آن روز، «محاصره» دیگر در حد تهدید هم نخواهد بود و کشور برای مواجهه با مسائلی این چنین، راه‌های بیشتری در اختیار خواهد داشت و در اقتصادی به بزرگی ایران، گاهی همین چند راه اضافه، تفاوت میان فشار و شکست را رقم می‌زند.

بحرین، قطر و کویت در حال چرخش هستند. ۳ استراتژیست دفاعی سابق ایالات متحده گفتند این تعداد احتمالاً به‌سطحی کاهش خواهد یافت که از زمان قبل از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ دیده نشده است، اما چنین رویکردی، واشنگتن را مجبور به پذیرش یک معضل استراتژیک خواهد کرد: چگونه بدون جسور کردن ایران با نگران کردن متحان عرش، حضور خود در خلیج فارس را کاهش دهد. در پس آینده نامشخص تأسیسات آمریکایی، حس فرآیندهای از یک بحران استراتژیک بسیار عمیق‌تر وجود دارد که بن‌بست با تهران ایجاد کرده است. ردپای آمریکا در خلیج فارس در سال‌های پس از حمله شوروی به افغانستان و سرنگونی شاه ایران در سال ۱۹۷۹ شروع به پدیدار شدن کرد.

جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت، ژانویه ۱۹۸۰ طرحی را مطرح کرد که از آن زمان به عنوان «دکترین کارتر» شناخته می‌شود: واشنگتن به یک کشور متخاصم اجازه هرگونه کنترل خلیج فارس را به دست گیرد و آن را روز به عقب خواهد داشت. پس از شکست عراق در طول جنگ اول خلیج فارس، این طرح با گسترش گسترده پایگاه‌های دلمی آمریکا دنبال شد.

گرگوری برو، مورخ و تحلیلگر گروه اوراسیا گفت: «به نظر می‌رسد دکترین کارتر فروپاشیده است». او افزود این حس نوجود دارد که واشنگتن به نقطه شروع برگشته است. برو ادامه داد: «انقلاب اسلامی دکترین کارتر را اجباری کرد و جنگ ضد ایران باعث فروپاشی آن شد».

ترامپ بارها گفته است نمی‌خواهد مانند کارتر به یاد آورده شود؛ کسی که ریاست جمهوری‌اش با انقلاب در ایران و گروگانگیری آمریکایی‌ها در سفارت آمریکا در تهران از مسیر خود منحرف شد. سیترونیوچ گفت: «این طنز تاریخ است که شکست استراتژیک در ایران، اترامپ را ازین آزار خواهد داد. او هرگز نمی‌خواست کارتر شود و حالا دارد به او تبدیل می‌شود».